

گفت‌وگویی اختصاصی با بهروز شعبی که امسال «روز بلوا» را به جشنواره آورده است:

# فیلم سیاسی یا اجتماعی؛ مسأله این است!

محمدرضا کاظمی

نام بهروز شعبی در میان کارگردان‌های امسال، یکی از نام‌های جذاب بود که گوش‌های فراوانی را تیز کرد تا ببینند که جدیدترین ساخته این کارگردان خوش‌ذوق، چه حال و هوایی دارد و این بار چه آثاری برای جشنواره فیلم فجر پخته است. شعبی در کارنامه کارگردانی‌اش در سینما، فیلم‌های خوبی داشته است، از «دهلیز» که به عنوان فیلم اولش به جشنواره فجر فرستاد و سیمرغ نگاه‌نور را برایش به ارمغان آورد گرفته تا آخرین فیلمش، «دارکوب» که در ۱۰ بخش جشنواره نامزد دریافت سیمرغ شد و دو بازیگرش (سارا بهرامی و جمشید هاشم پور) سیمرغ‌ها را از آن خود کردند. به جز این، او را به عنوان بازیگر هم در آثار زیادی دیده‌ایم و تجربیات متفاوت شعبی نشان داده که توانایی بازی کردن در نقش‌های متفاوت و مختلفی را دارد. حالا اما در جشنواره امسال اتفاق جالبی افتاده و دو فیلم از او در یک روز سینمای رسانه‌ها اکران می‌شود؛ اول فیلم «مغز استخوان» به کارگردانی حمیدرضا قربانی که شعبی در آن بازی کرده و بعد هم «روز بلوا» که خودش کارگردانی آن را بر عهده داشته است. به بهانه اکران این دو اثر، گفت‌وگویی مفصلی با او ترتیب دادیم؛ گفت‌وگویی که بعد از خواندن آن تاحدود زیادی می‌فهمید در آخرین ساخته‌اش با چه فیلمی روبه‌رو هستید و برای دیدنش مشتاق‌تر می‌شوید.

ما در فیلم «روز بلوا» با چه قصه‌ای مواجهیم؟

قصه این فیلم به مسائل اجتماعی امروز برمی‌گردد و به طور خاص روی فشارهای اقتصادی بر مردم و تبعیض‌های اقتصادی و رانت‌های یک عده که بخشی دیگر جامعه را دچار محدودیت می‌کند، تمرکز کرده است.

باتوجه به همین جملات و داستان‌های تبعیض و رانت و... احتمال دارد که عده‌ای بعد از تماشای فیلم آن را سیاسی بدانند؟

در کشور ما فضای سیاسی هیچ وقت از فضای اجتماعی جدا نیست و فضای اجتماعی هم همیشه تحت تاثیر فضای سیاسی بوده است. به همین دلیل من نمی‌دانم چه تفاسیری در مورد فیلم مطرح می‌شود، ولی چیزی که در این سال‌ها همیشه برای من مهم بوده است، فضای اجتماعی کارهاست. حالا اگر در زمان دیدن فیلم شما کدهایی می‌بینید که ممکن است به عده‌ای یا بخشی از فضای سیاسی ما هم مربوط باشد، به این دلیل است که ما از نشان دادن برخی چیزها ناگزیر بودیم!

بله واقعا هم مسائل سیاسی و اجتماعی ما خیلی در هم تنیده شدند.

دقیقا، چون رویکرد من رویکرد اجتماعی است و به دنبال فضای سیاسی به طور خاص نیستیم. من معتقدم فضای سیاسی همیشه مربوط به یک دوره خاص است، ولی چیزی که در ذهن تاریخ هر سرزمینی می‌ماند، فضای اجتماعی است فضای سیاسی همیشه و گذراست.

یک نکته و بزه بیش از تماشای فیلم، توجه به تیم تولید آن است. هم در بخش جلوی دوربین چهره‌های خوبی دارید و هم بخش‌های مختلف پشت دوربین مثل موسیقی، فیلمبرداری و... ترکیب خوبی دارند؛ چطور به این ترکیب رسیدید؟

به نظرم سینما یک کار گروهی است و هیچ فیلمی بر اساس کار فرد ساخته نمی‌شود، برای همین هم هرگز جرأت نمی‌کنم بگویم فیلم من، فیلم حاصل کار ما به عنوان یک گروه است و من هم به عنوان کارگردان یکی از اعضای گروه هستم. برای همین زمانی که به سراغ انتخاب عوامل برای ساخت یک فیلم می‌روم، همیشه سعی می‌کنم فارغ از آشنایی یا دوستی‌ام با اشخاص، آدم‌های توانمند را انتخاب کنم. این مسأله هم جاوی دوربین و هم پشت دوربین ملاک اصلی من بوده و برای همین در فیلم «روز بلوا» هم تلاشم این بود که در هر بخشی، عوامل خوب و درجه یکی داشته باشم.

به طور خاص در انتخاب بازیگران با چه فرمولی این تیم را بستید؟

در این بخش، ملاک اصلی‌مان بازیگرانی بودند که همچنان روی دور کار کردن بودند، نه بازیگرانی که در مقاطع خاصی چهره می‌شوند. در اصل توانمندی بازیگران ملاک انتخاب آن‌ها بود. برای همین هم شاید ترکیب بازیگران «روز بلوا»، کمی متفاوت باشد. از نظر من بازیگران جوانی که در فیلم حضور داشتند یا بازیگرانی که خیلی با آن تعریف معمول چهره بودن فاصله دارند، انتخاب‌های خیلی خوبی برای نقش‌ها شدند.

روند تولید «روز بلوا» چه در سهرایی برای شما به عنوان کارگردان داشت؟

این فیلم به لحاظ تولیدی یک اثر سخت بود و نه یک فیلم اجتماعی، سبک و کم‌پرسناژ، بلکه فیلمی پر لوکیشن و پیچیده بود. اما چیزی که ما را دچار حساسیت می‌کرد و مجبور بودیم دقت را در خصوص

آن بالا ببریم، حساسیت موضوعی و محتوایی فیلم بود. هم در بحث مسائل اقتصادی، اجتماعی مجبور بودیم دقت بیشتری داشته باشیم و هم باتوجه به پرسناژ اصلی فیلم که یک روحانی بود، مجبور بودیم کار را با دقت و وسواس بیشتری بسازیم. در این فیلم نکاتی را که بعضا تا به حال در سینما گفته نشده است، می‌شنوید؛ حرف‌هایی که ممکن است فقط در کوچه و خیابان بشنوید و به این شکل اصلا در سینما نبوده است. برای همین مجبور بودیم از یک زمینه تحقیقی خوب بهره ببریم؛ هم برای موارد اقتصادی و اجتماعی که با آن روبه‌رو هستیم و هم در خصوص مسأله حضور روحانی در فیلم. تقریبا در مورد تمام کدهای اقتصادی بیان‌شده در فیلم تحقیق شده و همه چیز کلمل است. از طرف دیگر چون تجربه به تصویر کشیدن روحانیت را داشتیم، می‌دانستیم که این کار احتیاج به چه دقتی دارد. من جز و کسلی هستم که معتقدم روحانیت بخشی تاثیرگذار در اجتماع است و روحانیون را فقط متعلق به بدنه سیاسی و حکومت نمی‌دانم و فکر می‌کنم روحانیت در عمق اجتماع است و روی بخش عمده‌ای از مردم تاثیرگذار است، به همین دلیل مجبور بودم از یک لحن و گویش خاص استفاده کنم.

تولید این فیلم از نظر ساختاری هم چالش برانگیز بود؟

بله در ساخت هم همینطور بود. باتوجه به مسأله تولیدی، مجبور بودیم با جزئیات کار کنیم چون با کلیات نمی‌توانستیم کار را بسازیم. نکته بعدی هم دغدغه خودم در خصوص متفاوت شدن «روز بلوا» نسبت به کارهای قبلی‌ام بود. دنبال این بودم که این فیلم شبیه «دارکوب» اجتماعی نباشد یا اگر فیلمی راجع به روحانیت است، در ساختارش از کدهایی که ممکن است آن را مثلاً به «پرده نشین» شبیه کند، پرهیز کنم.

با این تفصیل، نسخه نهایی «روز بلوا» چقدر شبیه به آن چیزی شد که پیش از تولید به آن فکر می‌کردید؟

به هر حال آدم در ابتدای کار یک تصویری دارد و در طول ساخت هم سعی می‌کند به این تصور شکل ببخشد. خوشبختانه چون از ابتدای کار گروه خوب و با دقتی داشتیم، خیلی به من کمک کردند و در بعضی از موارد نتیجه حتی از تصور من هم بهتر شد.

آخرین حضور شما در جشنواره با فیلم «دارکوب» حضور خوبی بود؛ نامزدی در ۱۰ بخش و برنده شدن آسیمیگر. فکر می‌کنید امسال در اختتامیه چه اتفاقی برای «روز بلوا» خواهد افتاد؟

واقعیت این است که اصلا نمی‌دانم. به هر حال هر کسی که فیلمی در جشنواره دارد، دوست دارد که اتفاقات خوبی برای آن بیفتد. اما مهم‌تر از برنده شدن سیمرغ این است که خیلی دوست دارم فیلم به دلیل اینکه حرف‌های مهم اجتماعی دارد، دیده شود. حرف‌هایی در «روز بلوا» مطرح می‌شود که به درد امروز ما می‌خورد و شاید حرف بلندی



روز بلوا

کارگردان: بهروز شعبی  
تهیه‌کننده: محمدرضا تخت‌کشیان